



## واکاوی طلاق زود هنگام در بین زوجین جوان شهر قم؛ مطالعه‌ای کیفی مبتنی بر گراند تئوری

داوود صفا<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی علل، زمینه‌ها و پیامدهای طلاق زود هنگام در میان زوجین جوان شهر قم به روش کیفی از نوع نظریه بنیانی (گراند تئوری) انجام و با مروری بر نظریات تبیین کننده طلاق، مدل پارادایمی درمورد طلاق زود هنگام ارائه شد. داده‌های تحقیق با مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل زنان و مردان مطلقه ۱۸ تا ۳۵ ساله در شهر قم با حداکثر ۴ سال سابقه زندگی مشترک بود که تعداد ۲۶ نفر از ایشان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه، برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. پس از کدگذاری متون حاصل از مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم، مقوله‌های اصلی شناسایی و در نهایت مقوله انتخابی پژوهش تعیین شد. یافته‌ها نشان داد که فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان، پدیده‌ای چندوجهی است که از تعامل عوامل متعددی نشئت می‌گیرد. مشکلات ارتباطی، رفتاری (عدم همدلی، عدم تأمین نیازهای جنسی و عاطفی، ناتوانی در حل مسائل بین زوجین) و اخلاقی زوجین، تقابل سنت و مدرنیته در الگوهای ازدواج، هویت و نقش‌های جنسیتی، بیماری و ناباروری یکی از زوجین و بی‌معنایی در زندگی در کنار عوامل مداخله‌گر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز کژکارکردهای خانواده زوجین در شکل‌گیری رخداد طلاق زود هنگام نقش اساسی دارد.

**واژگان کلیدی:** طلاق زود هنگام، علل و زمینه‌های طلاق، زوجین جوان، فروپاشی

زود هنگام خانواده.

DOI: 10.22034/IJWF.2023.9338

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵  
۱. استادیار جامعه‌شناسی، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.

Email: davood\_safa@yahoo.com

## Analyzing Early Divorce among Young Couples in the City of Qom; a Qualitative Study Based on Grounded Theory

Davoud Safa<sup>1</sup>

The present study was conducted with the aim of investigating the causes, contexts, and consequences of early divorce among young couples in the city of Qom using the qualitative method of grounded theory, and a paradigm model of early divorce was presented by reviewing the explanatory theories of divorce. The data was collected by semi-structured in-depth interviews. The population included divorced men and women aged 18 to 35 in Qom with a maximum of 4 years of cohabitation, and 26 of them were selected by the judgmental sampling until theoretical saturation was reached in the interviews. After coding the data from the interviews and extracting the concepts, the main categories were identified and finally the selected category of the study was determined. The findings showed that the early collapse of the marital relationship among young couples is a multifaceted phenomenon that originates from the interaction of several factors. Communication, behavioral (lack of empathy, failure to meet sexual and emotional needs, inability to solve problems between couples), and moral problems of couples, conflict between tradition and modernity in marriage patterns, identity and gender roles, illness and infertility of one of the couples and meaninglessness in life, and the interfering social, cultural and economic factors, as well as the malfunctioning of the couples' family, play a fundamental role in the formation of early divorce.

**Keywords:** early divorce, causes and contexts of divorce, young couples, early collapse of family.

---

DOI: 10.22034/IJWF.2023.9338

Paper Type: Research

Data Received: 2023/09/23

Data Revised: 2023/10/22

Data Accepted: 2023/11/16

1. Assistant Professor of Sociology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: davood\_safa@yahoo.com

## ۱. مقدمه

تغییرات گسترده نهاد خانواده در جامعه معاصر ایران به ویژه افزایش نرخ طلاق زودهنگام، به مسئله اجتماعی مهمی تبدیل شده است. این تحولات نه فقط ساختار خانواده را دگرگون کرده است بلکه تأثیرات عمیقی بر ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه گذاشته است. (اعزاز، ۱۳۷۶) گیدنز معتقد است این تغییرات فقط شکلی نیست بلکه تحولاتی بنیادین در کیفیت زندگی روزمره و تجربیات شخصی افراد ایجاد می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷). در این میان، پدیده طلاق که یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ساختار خانواده و جامعه است، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است.

علل طلاق از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناختی و جامعه‌شناختی قابل بررسی است. روان‌شناسان بر عوامل فردی و غیر اجتماعی طلاق تمرکز دارند، در حالی که جامعه‌شناسان دلایل آن را در ساختارهای اجتماعی جستجو می‌کنند. نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی از جمله نظریه عقلانی-عاطفی و نظریه سیستم‌ها به تبیین این پدیده پرداخته‌اند. بر مبنای نظریه عقلانی-عاطفی، ناسازگاری زناشویی مدلول مسائل بین فردی و رفتارهای نارسای زوجین است نه معلول رفتار غلط یکی از طرفین یا یک عامل آسیب‌زای دیگر. در نظریه مذکور، نحوه تفکر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا تفکر می‌تواند به طور گسترده به هیجان‌ها و تعاملات آشفته میان زن و مرد و در نهایت اختلال فردی و ارتباطی منجر شود (ثنائی، ۱۳۷۵). نظریه سیستم‌ها بر وابستگی متقابل اعضای خانواده به یکدیگر تأکید دارد که محدود به امور مالی، مسکن و غذا نیست بلکه عشق، محبت، رفاقت، همراهی، اجتماعی شدن و سایر نیازهای غیر محسوس دیگر را نیز در برمی‌گیرد (رایس، ۱۹۹۴، به نقل از منتظری، ۱۳۷۸). سیستم‌گرایان معتقدند که باید فرد را در محیط طبیعی خود یعنی، خانواده مورد مطالعه قرار داد و معتقدند که رفتارهای فرد تابعی از وضعیت و شرایط اوست. آنان نظام‌های خانواده را در تعامل با نظام‌های بزرگ‌تر خارج از خود فهم می‌کنند و بر این باورند که در صورت بروز تعارض بین راه‌حل‌های نظام خانواده و راه‌حل‌های نظام اجتماعی احتمال بروز اغتشاش و آشفتگی افزایش می‌یابد (ثنائی، ۱۳۷۵).

افزایش نرخ طلاق زودهنگام در ایران، پیامدهای گسترده‌ای را در پی دارد. از جمله این



پیامدها می‌توان به کاهش تمایل به تشکیل خانواده، تغییر الگوهای ازدواج، رشد اشکال غیرمتعارف زندگی مشترک و تغییر نگرش نسبت به تداوم زندگی زناشویی اشاره کرد. (آزادارمکی، ۱۳۹۳) طلاق زود هنگام در میان زوجین جوان از جمله مسائل اجتماعی نگران‌کننده، به ویژه در شهرهایی با بافت اجتماعی مذهبی مانند قم است. شهر قم در جایگاه یکی از مراکز مهم مذهبی ایران، دارای ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی منحصر به فردی است که می‌تواند بر الگوهای ازدواج و طلاق تأثیرگذار باشد. از سویی، ارزش‌های سنتی و مذهبی در این شهر بر اهمیت خانواده و پایداری ازدواج تأکید دارند. از سوی دیگر، تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون و گسترش ارتباطات، چالش‌های جدیدی را برای زوجین جوان ایجاد کرده است. برخلاف اهمیت این موضوع، مطالعات عمیق و جامعی که علل و زمینه‌های این پدیده در بافت فرهنگی و اجتماعی خاص شهر قم را بررسی کرده باشد، اندک است. براین اساس، درک عمیق از عوامل و شرایطی که منجر به طلاق زود هنگام در بین زوجین جوان در این شهر می‌شود، ضروری است. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران، مشاوران خانواده و متخصصان حوزه اجتماعی کمک کند تا با شناخت بهتر از ریشه‌های مسئله طلاق زود هنگام، راهکارهای مؤثرتری برای پیشگیری و مداخله در موارد طلاق زود هنگام ارائه دهند. همچنین، این پژوهش می‌تواند به غنای متون موجود در زمینه طلاق در بافت فرهنگی ایران بیفزاید و زمینه را برای مطالعات بیشتر در این حوزه فراهم کند.

## ۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی در زمینه عوامل مؤثر بر طلاق انجام شده است. تاج‌بخش (۱۴۰۰) در پژوهش خود عوامل فرهنگی مانند دخالت اطرافیان و تجمل‌گرایی را شناسایی کرده است. دینانی و همکاران (۱۳۹۹) به مطالعه کیفی تجارب طلاق و به بررسی عوامل روان‌شناختی مؤثر بر طلاق پرداختند. پیری و همکاران (۱۳۹۹) با روش گراند تئوری، دلایل طلاق‌های زود هنگام در ایلام را بررسی و نقش مهم عوامل اجتماعی و فرهنگی را بر آن نمایان کردند. ایشان باروش گراند تئوری و رویکرد تعامل نمادین، تفسیری و برساخت‌گرایی، دلایل طلاق‌های زود هنگام در ایلام را بررسی نمودند. طبق یافته‌ها ایشان، شرایط علی شامل

ازدواج تکلیف‌مند، انفعال در مخالفت، تعجیل در عقد، برخورد سنتی با دوران عقد، رفتار نمایشی، عدم برخورد منطقی با مسائل، تفاسیر متضاد زوجین و بدگمانی بود. عوامل زمینه‌ای شامل فضای سنتی-نیمه سنتی و تمایزات نسلی و عوامل مداخله‌گر شامل نفوذ کنشگران سنتی، بازدارنده‌های جدایی، رقابت خانواده‌ها، شکنندگی زندگی و سهل‌انگاری در ازدواج دوم بود. زناشویی نامطلوب نیز به‌عنوان پیامد اصلی شناسایی شد. مقوله مرکزی نیز با‌عنوان «طلاق‌های زود هنگام و تلاش برای انفصال از فشارهای اجتماعی» نام‌گذاری شد. پژوهش‌ایشان نشان داد که عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در وقوع طلاق‌های زود هنگام در ایلام دارند.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر طلاق توافقی را شناسایی کردند. روشنی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در فراتحلیلی، عوامل طلاق را به چهار دسته (همسرگزینی نادرست، نقص دانش و مهارت همسران، عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب) تقسیم کردند. همچنین رضازاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود بر عوامل فردی طلاق متمرکز شدند. عنایت، نجفی اصل و زارع (۱۳۹۲) نیز عوامل متعددی را در طلاق زود هنگام جوانان بوشهر مؤثر دانستند. براساس یافته‌های ایشان میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، تأثیرپذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است. به عبارت دیگر تمامی متغیرهای فوق در افزایش و کاهش طلاق مؤثر است. همچنین ریچاوک کلوبکار و سیمونیک (۲۰۱۸) نشان دادند که مهمترین عوامل طلاق، شامل فقدان سازگاری و حل تعارض در روابط بین فردی، الگوهای رفتاری ناشی از خانواده اصلی، رفتارها و عادات قبل از ازدواج، وضعیت نامناسب اجتماعی و اقتصادی و... بوده است. آپوستلو، چری، سیگلر، استانتون و شینر<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) عواملی همچون نارضایتی از زندگی و خشونت زوجین را بر طلاق مؤثر دانستند. وینگول، متیسبیک، استریک، تاکچوین<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) نیز تأثیر اشتغال زنان بر طلاق را در کشورهای اروپایی بررسی کردند.

1. Rijavec Klobuar, N., & Simoni, B.  
2. Apostolou, A., Chari, I., Segler, J., Stanton, K., & Shiner, R. L.  
3. Vignoli, D., Matysiak, A., Styr, M., & Tocchioni, V.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

#### ۳-۱. تئوری‌های تبیین‌کننده طلاق

نظریه‌های جامعه‌شناختی مختلفی به تحلیل ازدواج، خانواده و طلاق پرداخته‌اند. برای مثال، نظریه مبادله بر آنچه در جریان مبادله داده و گرفته می‌شود، تمرکز دارد. طبق این نظریه، مبادله موقعیت بهتر مردان و زیبایی زنان می‌تواند به ازدواج معنی دهد. اگر این وضعیت نابرابر وجود نداشته باشد، طلاق معنا می‌یابد. انسان‌ها به دلایلی جذب یکدیگر می‌شوند و گروه‌های دو یا چند نفری تشکیل می‌دهند و زمانیکه پیوندها برقرار شد شروع به مبادله می‌کنند که این مبادله سود و پاداش به همراه خود دارد. انواع پاداش‌ها می‌تواند درون ذاتی و غیرمادی باشد مانند عشق و محبت و احترام در رابطه‌های خانوادگی و یا برون ذاتی و مادی باشد. (ریتزر، ۱۳۷۹) تقسیم کار در خانواده براساس همین اصل منفعت صورت می‌گیرد؛ زیرا بر مبنای ساخت جامعه، اگر مردان کار بیرون انجام دهند منفعت بیشتری از لحاظ مادی جذب خانواده می‌شود و اگر زنان به نقش‌های سنتی خود در خانواده بپردازند منفعت بیشتری را جذب خانه و خانواده خود می‌کنند، اما اگر ساختار عوض شود وزن بفرهنگ با کار بیرون از خانه منفعت بیشتری را برای خود جذب می‌کند در نتیجه میدان عملش متفاوت خواهد بود و این می‌تواند یکی از علل عمده طلاق باشد (کرایب، ۱۳۸۱). نظریه کنش متقابل نمادین با محوریت مفهوم نقش، به خانواده به مثابه نظامی از نقش‌ها توجه می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۹، ۲۶۷). در کاربست این نظریه در مطالعه خانواده به دو جریان اشاره می‌کند: چگونگی طبقه‌بندی نقش‌ها و توزیع نقش‌ها؛ یعنی چگونگی انجام دادن بعضی از نقش‌ها و انجام ندادن بعضی دیگر. در نظریه کنش متقابل اجتماعی، تصویری که کنشگران از جامعه و موقعیت خانواده دارند، به آنها کمک می‌کند تا بتوانند نقش را انتخاب کرده و انجام دهند. برای مثال، اگر تصورشان این باشد که خانواده براساس قدرت پدر ساماندهی شده است، نقش‌های محول و مکتسب آنها معین می‌شود. از سوی دیگر، این نظریه بر نقش‌آفرینی افراد مرتبط با دیگران (در نظام کنشی) تأکید دارد. کارکردگرایی ساختاری بر چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی با ساختارها متمرکز است.



این نظریه خانواده را نظامی با ورودی، خروجی و فرایندهایی می‌داند. (اپستین و بی‌شاپ، ۱۹۸۱)<sup>۱</sup> از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که برعهده دارد و تا هنگامی که تأمین همه یا بخشی از این نیازها را به عهده داشته باشد برخلاف تحولات و تغییراتی که در شکل و ساختار آن پدید می‌آید، همچنان برقرار خواهد ماند. همچنین کارکردگرایان، کارکردهای خانواده را شامل تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضای جامعه از نسلی به نسل دیگر، جامعه‌پذیر کردن افراد خانواده، مراقبت و نگهداری از فرزندان و دیگر اعضای خانواده، تعیین جایگاه اجتماعی و حمایت عاطفی از اعضا می‌دانند (رابرتسون، ۱۳۷۴) و زمانی که کارکردهای خانواده با مشکل مواجه شود، طلاق رخ می‌دهد.

نظریه یادگیری اجتماعی که توسط بندورا مطرح شد، بر این اصل استوار است که افراد رفتارها را از طریق مشاهده و تقلید از دیگران یاد می‌گیرند. (بندورا، ۱۹۷۷) این نظریه می‌تواند به درک رابطه بین یادگیری اجتماعی و طلاق کمک کند. اولین جنبه این رابطه، الگوبرداری از والدین است. فرزندان که شاهد طلاق والدین خود می‌باشند، ممکن است این رفتار را به مثابه یک راه حل برای مشکلات زناشویی یاد بگیرند. تحقیقات نشان داده است که فرزندان والدین طلاق‌گرفته، احتمال بیشتری دارد که خودشان نیز در آینده طلاق بگیرند (آماتو و دیبور، ۲۰۰۱).<sup>۳</sup> این الگوبرداری می‌تواند به یادگیری مهارت‌های ارتباطی ناکارآمد منجر شود. افرادی که در خانواده‌هایی با ارتباطات ضعیف بزرگ می‌شوند، ممکن است مهارت‌های ارتباطی نامناسبی را یاد بگیرند که می‌تواند منجر به مشکلات زناشویی و در نهایت طلاق شود (کاتمن و سیلور، ۱۹۹۹).<sup>۴</sup> علاوه بر این، یادگیری اجتماعی می‌تواند انتظارات افراد از ازدواج را شکل دهد. انتظارات غیرواقعی که از طریق رسانه‌ها یا جامعه آموخته می‌شوند، می‌توانند منجر به ناامیدی و در نهایت طلاق شوند (آیوستلو، همکاران، ۲۰۱۸). این پیوستار نشان می‌دهد که چگونه یادگیری اجتماعی از الگوبرداری از والدین شروع شده و به یادگیری مهارت‌های ارتباطی ناکارآمد منجر می‌شود و در نهایت با شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی از ازدواج، می‌تواند به طلاق بینجامد.

1. Epstein, N. B., & Bishop, D. S.
2. Bandura, A.
3. Amato, P. R., & DeBoer, D. D.
4. Gottman, J. M., & Silver, N.

طبق نظریه کنترل، طلاق زمانی شکل می‌گیرد که نهادها و پیوندهای کنترل‌آور جامعه از توان کافی برخوردار نباشند. (گیدنز، ۱۳۷۸) از نظر کوئن این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین زیاد شده است؛ این وضعیت از جامعه و ارزش‌های متغیر سرچشمه می‌گیرد، نه از گسیختگی و تباهی خانواده. امروزه از انواع کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده است و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی آن‌هم در یک محیط زناشویی ننگ نیست (کوئن، ۱۳۷۰). اودری کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به مثابه عاملی در راه جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به نظر وی افرادی که ایمان مذهبی دارند، کمتر به طلاق روی می‌آورند. با تضعیف ایمان و پایبندی‌های مذهبی و تغییر ارزش‌ها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد (ادری<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱). براساس تئوری همسان‌همسری، بخش قابل توجهی از طلاق‌ها به خاطر پدیده ناهمسان‌همسری است. بنابراین، هر اندازه فاصله‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، شغلی و حتی زبانی و دینی زوجین بیشتر باشد، بیشتر در معرض تهدید طلاق قرار می‌گیرند، بدون آنکه به طور یقینی چنین باشد؛ زیرا پدیده‌ای پدیده‌ای همچون طلاق مستلزم افزوده شدن عوامل دیگری نیز می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۷۶). براساس تئوری جامعه در حال گذار، ایران کشوری در حال گذار است که در آن کنش‌های کنشگران در تعارض بین سنت و مدرنیته قرار گرفته است. ازسویی، مرد با ساختارهای فکری سنتی تمایل به تسلط و کنترل خانواده دارد و ازسوی دیگر، با رشد آگاهی زنان، آنها خواستار داشتن نقشی مساوی با مردان در زندگی مشترک و آینده هستند. این تضاد بین زن و مرد می‌تواند منجر به طلاق شود. (ساروخانی، ۱۳۷۶) تئوری نابسامانی اجتماعی (آنومی) نیز معتقد است که در شرایط هرج و مرج اجتماعی، تضاد بین ارزش‌ها می‌تواند منجر به مشکلات اجتماعی از جمله طلاق شود. همچنین نظریه بحران وجدان جمعی بیان می‌کند که با تضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به طلاق کاهش می‌یابد و این موضوع می‌تواند به افزایش طلاق منجر شود (ساروخانی، ۱۳۷۶). طبق رویکرد مشکلات اقتصادی، دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیانباری بر خانواده‌ها دارد؛ نتایجی همچون



احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن. محرومیت اقتصادی، تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد (کانگر، ۱۹۹۰).

براساس نظریه توزیع قدرت، گاهی بین زن و شوهر تضادی ایجاد می‌شود و هر یک برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش، از طریق توسل به امکانات مالی، فرهنگی و غیره قصد تسلط بر دیگری دارد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش داده و منجر به جدایی و طلاق آنها می‌شود. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷) مطابق نظریه نیاز-انتظار، هر موقعیتی هنجارهایی دارد که صاحب آن موقعیت باید براساس آن عمل کند و افرادی که با وی در کنش متقابلند، از او انتظار دارند براساس هنجارهای آن موقعیت عمل کند. عدم تحقق انتظارات، عدم تعادل بین خواسته‌هاست. ازکمپ معتقد است که احساس رضایت با نحوه انطباق کامل امیدها و انتظارات با پیشرفت‌های فرد تعیین می‌شود، درحالی‌که نارضایتی معلول ناکامی در رسیدن به انتظارات است (ازکمپ، ۱۳۶۹). ابراهام مازلو معتقد است که در ابتدای هرم نیازها، نیازهای فیزیولوژیکی شامل نیاز به غذا، تنفس و رابطه جنسی قرار دارد و تا زمانی که این نیازها برآورده نشوند، سایر نیازها نیز برآورده نخواهند شد. یکی از نیازهایی که تأکید زیادی بر روی آن شده است، نیازهای جنسی است (سیف، ۱۳۸۱).

در پژوهش حاضر، ضمن بررسی نظریه‌های مرتبط با طلاق، برای تعریف مفاهیم و همچنین مقایسه نتایج و یافته‌های پژوهش، سعی شد مدل پارادایمی درمورد طلاق زودهنگام ارائه شود که نظریه‌های قبلی در این زمینه خلأ دانشی دارند.

#### ۴. شیوه اجرای پژوهش

##### ۴-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق زودهنگام بین زوجین جوان شهر قم به روش کیفی از نوع گراند‌تئوری<sup>۲</sup> (نظریه داده‌بنیاد) انجام شد. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. سپس با کدگذاری متون به دست آمده از مصاحبه و استخراج مفاهیم، مقولات اصلی در مسئله پژوهش شناسایی و در نهایت مقوله انتخابی و گزینشی پژوهش استخراج شد.

1. Conger, R. D.  
2. Grounded Theory Method

## ۴-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل جوانان ۱۷ تا ۳۵ ساله مطلقه شهر قم با سابقه حداکثر ۴ سال زندگی مشترک بود. تعداد ۲۶ نفر از زنان و مردان جوان مطلقه به روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری در داده‌های حاصل از مصاحبه برای ورود به پژوهش انتخاب شدند.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. کدگذاری باز

با انجام کدگذاری در این مرحله از پژوهش، مفاهیم استخراج شده از متن مصاحبه‌ها و دسته‌بندی و در طبقه‌های کلی‌تری سامان‌دهی شد. هدف از کدگذاری باز، درک مفاهیم مستتر در گزاره‌های انتخاب شده است. این مفاهیم بر داده‌ها تحمیل نمی‌شوند، بلکه خود داده‌ها در قالب این مفاهیم سخن می‌گویند (استراوس و کربین، ۱۳۹۰).

### ۵-۱-۱. مرحله اول و دوم کدگذاری باز: استخراج عبارات و زیرمقولات

#### جدول ۱

نمونه‌ای از کدگذاری باز؛ عبارات و زیرمقولات استخراج شده درباره نگرش افراد نسبت به علل طلاق

ردیف	مفاهیم اساسی مستخرج از مصاحبه با گروه نمونه در مورد علل طلاق	زیر مقولات
	دروغ‌گو بودن همسر در بسیاری از مسائل زندگی / کتک زدن زن / نبود امنیت در خانه و وجود خطر جسمی برای زن / مشکلات اخلاقی همسر / پایین بودن ایمان و اخلاق در همسر / متداول بودن فحاشی کردن و صحبت‌های رکیک بین همسر و خانواده وی / لجبازی با همسر از ابتدای ازدواج / رفتارهای بی‌جه‌گانه همسر / فاش کردن اسرار خانه به دیگران به علت ازدواج فامیلی / لجبازی و خوی پسرانه مرد / به‌کاربردن ناسزا و دشنام در گفتار / دهن‌بین بودن همسر / داشتن توقعات نابه‌جا از سوی همسر / تماشای فیلم‌های پورن و استفاده نابجا از تلفن همراه / لجباز، قلدرمآبانه، یک‌دنده بودن مرد نسبت به همسرش / گوشه‌گیری و بروز عصبانیت در رفتار همسر / برخوردهای بی‌جگانه والدین با همسر / خودخواه، احساساتی و وابسته بودن بیش از حد همسر نسبت به خانواده‌اش / مغرور بودن همسر نسبت به هم / عدم تأمین هزینه‌های زندگی / سبک‌سری کردن همسر / تظاهر همسر در رفتارهای روزمره /	ردایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند در بین زوجین



<p>ردایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند در بین زوجین</p>	<p>عدم سنخیت بین شخصیت، گفتار و وعده‌های قبل و بعد از ازدواج/ متفاوت شدن رفتار و شخصیت همسر نسبت به قبل و نقش بازی کردن/ عدم نشان دادن خود واقعی توسط همسر قبل از ازدواج و نقاب زدن بر رفتار و شخصیت اصلی خود/ دروغ گفتن در مورد داشتن علاقه و دوست داشتن همسر/ سن پایین همسر/ وجود منیت و خودخواهی در همسر/ توهین رفتاری و گفتاری نسبت به همسر/ تعمد در ایجاد اعصاب خوردی در همسر/ عصبانی مزاج و خشن بودن همسر و ترس از وقوع دعوا حین گفتگو با وی / بهانه جویی‌های مکرر در زندگی مشترک/ رفیق باز بودن همسر/ داشتن پرونده قضائی به دلیل سرقت و دیه‌های سنگین به علت دعوا و درگیری/ زود عصبی شدن مرد هنگام وجود اختلاف/ دروغ‌گو و دورو بودن همسر/ عدم اعتقاد به مذهب و مقدسات/ عصبی، بداخلاق و بهانه جو بودن همسر/ بروز برخوردهای خشن نسبت به همسر و ارزش قائل نبودن برای زن/ داشتن دوستان و رفقای ناباب/ مسخره کردن همسر در مقابل دیگران/ کتک زدن زن در مقابل دیگران/ ارتباط با دوستان و افراد ناباب دوران مجردی/ دروغ‌گویی همسر</p>
<p>دخالت والدین و اطرافیان</p>	<p>مستقل نبودن مرد و دخالت‌های فراوان از جانب خانواده و اقوام وی/ دخالت خانواده همسر در امور زندگی او/ دخالت والدین در ازدواج مرد/ ازدواج اجباری از سوی والدین/ وجود اختلافات شدید بین مادر شوهر و عروس / اولویت دادن به مادر نسبت به همسر خود برای مشورت کردن/ رفتار بد خانواده همسر/ دخالت خانواده‌ها و عدم مدیریت اختلافات توسط همسر/ عدم حمایت همسر در برابر دخالت‌ها و مشاجرات با مادرشوهر/ عدم حمایت از همسر در برابر افرادی همچون پدر و مادر و برادر خواهر خود/ عدم توانایی همسر در دفاع از خود در برابر مادرش/ عدم استقلال مرد/ عدم استقلال مرد و تصمیم‌گیری مادرش به جای وی/ وجود حس حسادت از جانب مادر شوهر/ وجود اختلاف و تنش بین مرد و مادر همسرش در مورد چگونگی رفت و آمد و ارتباط خانوادگی/ نبود صداقت در خانواده همسر</p>
<p>نبودن تفاهم، همدلی و درک متقابل بین زوجین</p>	<p>گوش ندادن و بی‌توجهی نسبت به حرف‌های زن/ رفیق بازی و بی‌توجهی به همسر/ عدم تفاهم زوجین/ عدم درک حرف‌های زن از جانب شوهر/ بیرون رفتن مرد با دوستانش و بی‌توجهی به همسر/ بی‌توجهی مرد به همسرش هنگام اوقات فراغت/ وجود اختلاف نظر در مورد مسئله حجاب/ وجود تفاوت فرهنگی بین خانواده‌های زوجین/ عدم تناسب شخصیتی زوجین/ بی‌توجهی مرد نسبت به خوشتیپ بودن در کنار همسرش/ بی‌توجهی نسبت به همسر و امور خانه/ بی‌توجهی و بی‌احساسی مرد نسبت به همسرش و خانواده وی/ تأکید مشاور به جدایی به علت عدم تفاهم فکری با یکدیگر/ بی‌توجهی به نکات مهم در هنگام آشنایی اولیه و قبل از ازدواج/ بی‌توجهی و بی‌اهمیتی به نظرات همسر/ عدم وجود تفاهم اخلاقی بین زن و شوهر و داشتن عذاب وجدان از انتخاب این فرد به عنوان همسر/ وجود تفاوت در ملاک‌های خواستن یکدیگر و سبک زندگی مورد علاقه یکدیگر</p>
<p>خیانت همسر</p>	<p>پنهان کاری و خیانت مرد به زن/ پایین بودن تعهد اخلاقی همسر و خیانت وی به همسر/ استفاده زیاد و افراطی همسر در استفاده از تلفن همراه و ارتباط با دوستان و افراد نامحرم/ رابطه مرد با زنی دیگر برای بچه دار شدن/ تنوع طلب بودن همسر/ داشتن ارتباط با افرادی دیگر قبل از ازدواج و ابراز علاقه به فردی غیر از همسر/ بدبینی و شکاکي به داشتن ارتباط نامشروع در فضای مجازی/ ارتباط مرد با زنی غیر از همسر و تقبل هزینه‌های مالی برای او/ تأثیر مخرب فیلم‌های خارجی بر ایجاد روابط خارج از چارچوب شرع با افراد نامحرم و الگوگیری‌های اشتباه در زندگی/ هوس باز و فحاش بودن مرد/ ناامید شدن از زندگی به علت دیدن رفتارهای غیراخلاقی همسر/ سابقه کیفری مرد و حضور در پارتی‌های شبانه/ ازدواج موقت مرد/ انحرافات جنسی و روابط نامشروع متعدد مرد/ تصمیم به ازدواج با فردی دیگر و خیانت کردن به همسر اول/ شکاک بودن زن و متهم کردن همسرش به ارتباط با زن‌های دیگر</p>



<p>ناکارآمدی در تأمین نیازهای جنسی همسران</p>	<p>بی توجهی به نیازهای عاطفی و جنسی همسر/ وجود مشکل ازسوی مرد در برآورده کردن نیازهای جنسی زن/ عدم ارضای جنسی از همسر و نارضایتی از این موضوع/ تمکین نکردن همسر در مسائل جنسی/ تشدید اختلافات به دلیل عدم تمکین جنسی/ سرد شدن از همسر به دلیل نبود آرامش در روابط زناشویی/ بالاگرفتن اختلافات زناشویی به علت داشتن ضعف بدنی همسر/ بی توجهی مرد به مسئله جنسی زن و انجام یک طرفه رابطه جنسی/ دوری کردن از همسر و عدم ابراز رفتار گرم و صمیمی با وی/ یک طرفه بودن رابطه جنسی و ارضا نشدن همسر/ نارضایتی در مسائل زناشویی ازسوی همسر و بی توجهی کامل شوهر به نیازهای جنسی زن/ بی توجهی زوجین به خواسته‌ها و امیال درونی همدیگر/ سرد بودن زوجین در برقراری روابط جنسی/ ناآگاهی از روابط جنسی و زناشویی/ فقدان رابطه جنسی در مدت طولانی بعد از عروسی/ عدم ارضای جنسی زن و بی توجهی مرد به این مسئله/ نگاه یک طرفه مرد به نیاز جنسی خود و بی توجهی به زن در روابط جنسی/ سرد شدن احساسات جنسی زوجین نسبت به همدیگر و عادی شدن روابط زناشویی/ عدم روابط جنسی و جدا کردن رختخواب</p>
<p>ناآگاهی و عدم مهارت زوجین در مواجهه با حل مسائل خانوادگی</p>	<p>اقدام برای خودکشی برای پایان دادن به رابطه زناشویی یک طرفه و مواجهه با بی توجهی‌ها و عدم حمایت خانواده/ عدم وجود مشاور و افراد باتجربه و معلومات کافی در خانواده‌ها برای حل مشکلات/ گوش ندادن به نصیحت‌های والدین در مسیر زندگی/ تخلیه تمامی عقده‌ها و کمبودهای خانوادگی خود در زندگی مشترک/ تأثیر شیوه غلط تربیتی زوجین در بروز طلاق و انتخاب‌های غیرمنطقی در ازدواج/ از بین رفتن اعتماد به نفس زن به علت ضعف تربیتی/ بازگو کردن مشکلات و اتفاقات گذشته همسر و عدم مدیریت در حل مشکلات و تنش‌ها/ فقدان درک لازم برای اداره زندگی مشترک/ عدم مدیریت مناسب همسر به عنوان علل اصلی شروع اختلاف/ بزرگ جلوه دادن مشکلات کوچک/ بیرون رفتن از منزل بدون اطلاع همسر و عدم پاسخ به تماس‌های تلفنی وی/ قهر کردن و ترک منزل/ اهل دعا و جدال بودن همسر/ سن پایین هنگام ازدواج</p>
<p>اعتیاد همسر به مواد مخدر و مشروبات الکلی</p>	<p>اعتیاد همسر به مواد مخدر/ تعامل اعضای خانواده با افراد معتاد به علت نوع شغل پدر همسر/ مصرف مشروبات الکلی و بی مسئولیتی و بی توجهی به همسر/ اعتیاد همسر و از بین رفتن عشق و علاقه بین زوجین/ گرایش مرد به مصرف مشروبات الکلی و مخدر/ مصرف مواد مخدر و از بین رفتن وابستگی‌ها و عشق و علاقه بین زوجین/ اعتیاد همسر و سرایت آن به زن/ اعتیاد به شیشه و هرئوئین/ مصرف تریاک و شیشه در منزل و بروز خشونت نسبت به همسر/ مصرف مشروبات الکلی و اعتیاد به ماری جوانا/ از بین رفتن روال عادی و طبیعی زندگی همچون: دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن، به علت رفیق بازی و مصرف مواد/ گوشه‌گیر و منزوی بودن و عدم مشارکت در گفتگوهای گروهی به دلیل داشتن اعتیاد/ رفیق بازی و سابقه سرقت/ اعتیاد و زندانی شدن</p>
<p>ناکارآمدی در تأمین نیازهای عاطفی زوجین</p>	<p>بی توجهی مرد نسبت به احساسات و عاطفه زن و وضعیت مالی خانه/ بی توجهی به مسائل عاطفی زن/ عدم ارتباط عاشقانه و احساسی بین زوجین/ عدم توجه عاطفی و مالی به زن و مشورت نکردن همسرش با وی و عدم توجه به پرانرژی بودن او/ فقدان احساس خوشبختی و امنیت و عدم ابراز علاقه و محبت از سوی همسر/ بی توجهی مرد به نیازهای روحی، معنوی و عاطفی زن/ متفاوت بودن رفتار، عقاید و احساس و عشق زوجین به یکدیگر/ بی حسی شوهر به احساسات همسر و وجود رابطه یک طرفه/ بی اهمیتی به بودن یا نبودن زن در زندگی/ عدم آمادگی و نبود شوق و اشتیاق برای ازدواج/ سردی عاطفی نسبت به یکدیگر و عدم ارتباط با همدیگر در خانه/ دل‌سرد بودن شوهر نسبت به زندگی مشترک</p>



نداشتن برنامه و هدف مشخصی در زندگی مشترک/ عدم مسئولیت پذیری نسبت به زندگی/ عدم بلوغ فکری مرد برای ازدواج / متعهد نبودن مرد نسبت به زندگی و پایین آمدن عزت نفس او در زندگی مشترک/ عدم توجه به اولویت بخشی به مسائل زندگی جدید نسبت به خانواده پدري خود/ بی تفاوتی همسر در مورد مسائل اختلافی و کوتاهی کردن در حل آن / بی مسئولیتی مرد نسبت به زندگی و عدم تأمین هزینه های مالی / پایین بودن سن یکی از همسران/ رفتارهای بچه گانه/ عدم استقلال فکری مرد/ ماندن مرد در فضای فکری و شرایط دوران مجردی	نداشتن شناخت مناسب نسبت به شخصیت همسر و بی توجهی به ملاک های اصلی ازدواج/ نسنجیده عمل کردن در مرحله قبل از ازدواج/ عدم علاقه به شوهر و اصرار دیگران برای ازدواج وی/ عدم آگاهی فرد در چگونگی احترام گذاشتن به همسر/ اجبار خانواده به ازدواج کردن و بی علاقهی به ازدواج/ گرفتن تصمیمات احساسی و غیرمنطقی برای شروع زندگی/ عدم شناخت همسر نسبت به خود/ عدم میل و علاقه و رضایت واقعی به ازدواج/ بی علاقهی به همسر و اجبار خانواده در ازدواج با وی
حمایت نشدن از سوی خانواده هنگام بروز مشکلات/ عدم حمایت مناسب خانواده شوهر از پسرشان در مشکلات/ عدم ارتباط خانواده های زوجین/ عدم تربیت صحیح و داشتن خانواده ای ناموفق در امور تربیتی/ تأثیر توصیه های سنتی و خرافی خانواده در ایجاد رفتارهای غیرمنطقی در زوجین/ قبح زدایی از طلاق/ تعصب غلط خانواده و شرایط اجتماعی اطرافیان/ اشتباه مدیریتی و حمایتی خانواده در ازدواج فرزندشان	نگاه های مردسالارانه و یک طرفه نسبت به زن و بی اهمیتی به شخصیت وی / ضعیف پنداشتن زن و بی اهمیتی به شخصیت و گفتارهای زن / عدم اجازه به زن برای بیرون رفتن از منزل و بی توجهی به آن / عدم اجازه به زن در برقراری ارتباط با خانواده و دوستان و آشنایان
بیکار بودن مرد و رفیق باز بودن او / پایین آمدن روحیه همسر به علت فشارهای اقتصادی در زندگی/ نداشتن وضعیت مالی مناسب/ بیکاری و نداشتن پول و متکی بودن به خانواده اصلی / سوءاستفاده مرد از قناعت کردن زن / بیکاری مرد	فضای مجازی علت بروز اختلافات زناشویی/ تأثیر فضای مجازی در طلاق و شکست خوردن در زندگی/ تأثیر فضای مجازی و ماهواره در تغییر سبک زندگی زوجین/ تأثیر فضای مجازی در بروز اختلافات و مشکلات زندگی زناشویی
خسیس بودن مرد نسبت به همسر و مخارج منزل/ توجه اقتصادی مرد به خانواده پدري خود و عدم حمایت اقتصادی در زندگی زناشویی/ عدم پرداخت هزینه های مالی همسر و فرزندان برخلاف داشتن پول و درآمد کافی/ خسیس بودن و خرجی ندادن شوهر	بچه دار نشدن یکی از زوجین / بچه دار نشدن همسر / نازا بود همسر
تأثیر نظر مثبت اطرافیان نسبت به طلاق در روحیه و ذهنیت همسر/ اثرگذاری نگاه و حرف های مردم در مورد زندگی و گرفتن طلاق	زندانی شدن همسر به علت کلاهبرداری/ زندانی شدن به مدت چندین سال و آمدن خواستگارهای جدید برای همسر
شکاک بودن همسر به رفتارها و روابط زن	شکاک بودن همسر

جدول ۲

تعداد مفاهیم و زیرمقولات و عبارت‌های زیرمقولات بر مبنای سؤالات مصاحبه

زیر مقولات استخراج شده	تعداد زیر مقولات استخراج شده	تعداد مفاهیم استخراج شده	محورهای مصاحبه (سؤال‌های مصاحبه)
ردایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند در بین زوجین دخالت والدین و اطرافیان نبودن تفاهم، همدلی و درک متقابل بین زوجین خیانت همسر ناکارآمدی در تأمین نیازهای جنسی همسران ناآگاهی و عدم مهارت زوجین در مواجهه با حل مسائل خانوادگی اعتیاد همسر به مواد مخدر و مشروبات الکلی ناکارآمدی در تأمین نیازهای عاطفی زوجین هدمند نبودن زندگی برای زوجین ازدواج اجباری و و بی‌علاقگی به همسر عدم حمایت خانواده‌ها در پیشگیری از طلاق تفکر مردسالارانه، نبود آزادی برای زن شکاک بودن همسر فقر و بیکاری همسر استفاده ناصحیح از فضای مجازی بی‌توجهی در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ناباروری زوجین قبح‌زدایی از طلاق زندانی شدن یکی از زوجین	۱۹	۲۶۱	نگرش پاسخگویان نسبت به علل، زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر در طلاق
عدم رضایت از هویت جنسی به دلیل احساس تبعیض جنسیتی در جامعه	۱	۳۴	نگرش نسبت به هویت جنسیتی
لزوم حضور زن در اجتماع برای تحصیلات و اشتغال نگرش تعادل‌گرایانه بین کار خانگی و اشتغال بیرون از خانه توسط زن تأثیر مثبت تحصیلات خانمها بر تربیت فرزندان انجام کار خانگی به دلیل فداکاری و وظیفه نبودن کار خانگی موافق با لزوم تفکیک نقش‌های جنسیتی	۵	۶۵	نگرش به نقش‌های جنسیتی



طلاق به مثابه راهکار نهایی در شرایط غیر قابل تحمل (آخرین راه حل)	۳	۴۶	نگرش نسبت به طلاق
احساس پشیمانی از طلاق			
پذیرفته بودن طلاق			
سننی بودن ازدواج پاسخگویان	۵	۵۷	شیوه همسرگزینی پاسخگویان
ازدواج به سبک مدرن			
ازدواج به دلیل لجاجت (مخالفت با سنتها و دخالت والدین)			
ازدواج بدون شناخت قبلی			
روش بینابینی سننی و مدرن در ازدواج	۶	۶۷	راهبرد پاسخگویان در مواجهه با مشکلات و مسائل زناشویی
سعی در پذیرش طلاق عاطفی			
اشتغال، راه حل مواجهه با مشکلات زناشویی			
دریافت حمایت از جانب خانواده و دوستان جایگزین حمایت همسر			
ورود به رابطه عاطفی با شخص جدید			
توسل به قضا و قدر الهی برای رسیدن به آرامش			
سعی در پذیرش طلاق	۹	۸۴	تجربه پاسخگویان در پیامدهای طلاق
نگرش منفی در عرف اجتماعی به زن مطلقه			
بروز مشکلات روحی و عاطفی و احساس شکست پس از طلاق			
ظهور مشکلات به علت تنهایی و جدا شدن از خانواده بعد از طلاق			
بروز مشکلات اقتصادی پس از طلاق برای زنان			
رسیدن به آرامش بعد از طلاق بدون هیچ پیامد منفی			
از دست دادن موقعیت و منزلت اجتماعی پس از طلاق			
سرکوب شدن نیازهای جنسی پس از طلاق			
مواجهه با مشکل سرپرستی فرزندان بعد از طلاق			
عدم حمایت خانواده در زندگی پس از طلاق			
احساس پشیمانی از طلاق			
رفتارهای توأم با نگرش جنسی			
بروز مشکلات در مورد مهریه و نفقه فرزند			



جدول ۲ یافته‌های پژوهش را بر مبنای سؤالات مصاحبه، تعداد مفاهیم و زیرمقولات و عبارت‌های زیرمقولات نشان می‌دهد. بیشترین تعداد مفاهیم (۲۶۱ مورد) و زیرمقولات (۱۹ مورد) مربوط به محور علل، زمینه‌ها و شرایط رخداد طلاق از نظر پاسخگویان بود.

### ۵-۱-۲. مرحله سوم کدگذاری باز: استخراج مقولات از زیرمقولات

#### جدول ۳

زیر مقولات، مقولات اصلی و نوع مقولات استخراج شده از مصاحبه با گروه نمونه

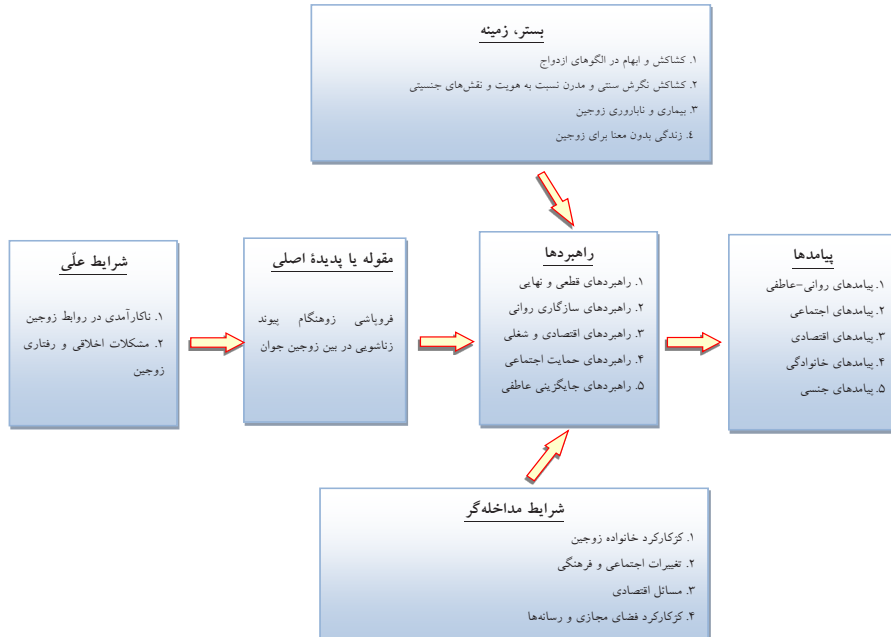
نوع مقولات اصلی	مقولات اصلی	زیر مقولات
شرایط علی	ناکارآمدی در روابط زوجین	نبودن تفاهم، همدلی و درک متقابل بین زوجین
		ناکارآمدی در تامین نیازهای جنسی همسران
		ناکارآمدی در تامین نیازهای عاطفی زوجین
		ناآگاهی و عدم مهارت زوجین در مواجهه با حل مسائل خانوادگی
مشکلات اخلاقی و رفتاری زوجین		رذایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند در بین زوجین
		خیانت همسر
		اعتیاد همسر به موادمخدر و مشروبات الکلی
		شکاک بودن همسر
پدیده محوری		زندانی شدن یکی از زوجین
		فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان
		سنتی بودن ازدواج پاسخگویان
		ازدواج به سبک مدرن
		ازدواج بدون شناخت قبلی
		ازدواج اجباری و بی‌علاقگی به همسر
زمینه	کشاکش و ابهام در الگوهای ازدواج	ازدواج به دلیل لجاجت (مخالفت با سنتها و دخالت والدین)
		روش بینابینی سنتی و مدرن در ازدواج
		عدم رضایت از هویت جنسی به دلیل احساس تبعیض جنسیتی در جامعه
		لزوم حضور زن در اجتماع جهت تحصیلات و اشتغال
		نگرش تعادل گرایانه بین کار خانگی و اشتغال بیرون از خانه توسط زن
		تأثیر مثبت تحصیلات مادر بر تربیت فرزندان
کشاکش نگرش سنتی و مدرن نسبت به هویت و نقش‌های جنسیتی		انجام کار خانگی به دلیل فداکاری و وظیفه نبودن کار خانگی
		موافق با لزوم تفکیک نقش‌های جنسیتی
		بیماری و ناباروری زوجین
		ناباروری زوجین
		بیماری و ناباروری زوجین



	زندگی بدون معنا برای زوجین	هدفمند نبودن زندگی برای زوجین
شرایط مداخله‌گر	کژکارکرد خانواده زوجین	دخالت والدین و اطرافیان
		عدم حمایت خانواده ها در پیشگیری از طلاق
	تغییرات اجتماعی و فرهنگی	قبیح زدایی از طلاق
		پذیرفته بودن طلاق
	مسائل اقتصادی	تفکر مردسالارانه، نبود آزادی برای زن
		فقر و بیکاری همسر بی توجهی در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده
کژکارکرد فضای مجازی و رسانه‌ها	استفاده ناصحیح از فضای مجازی	
راهنم‌ها	راهنم‌های قطعی و نهایی	طلاق به مثابه راهکار نهایی در شرایط غیر قابل تحمل
		طلاق زود هنگام در زوجین جوان
	راهنم‌های سازگاری روانی	سعی در پذیرش طلاق عاطفی
		توسل به قضا و قدر الهی برای رسیدن به آرامش
	راهنم‌های اقتصادی و شغلی	اشتغال راه حل مواجهه با مشکلات زناشویی
	راهنم‌های حمایت اجتماعی	دریافت حمایت از جانب خانواده و دوستان جایگزین حمایت همسر
راهنم‌های جایگزینی عاطفی	ورود به رابطه عاطفی با شخص جدید پناه بردن به فضای مجازی برای پرکردن خلاء عاطفی	
پیامدها	پیامدهای روانی- عاطفی	بروز مشکلات روحی و عاطفی و احساس شکست پس از طلاق
		احساس پشیمانی از طلاق
	پیامدهای اجتماعی	از دست دادن موقعیت و منزلت اجتماعی پس از طلاق
		ظهور مشکلات به علت تنهایی و جدا شدن از خانواده بعد از طلاق
		نگرش منفی در عرف اجتماعی به زن مطلقه
		رواج طلاق زود هنگام توافقی یا یک طرفه در زوجین جوان
	پیامدهای اقتصادی	بروز مشکلات اقتصادی پس از طلاق برای زنان
		بروز مشکلات درمورد مهریه و نفقه فرزند
	پیامدهای خانوادگی	مواجهه با مشکل سرپرستی فرزندان بعد از طلاق
		عدم حمایت خانواده در زندگی پس از طلاق
پیامدهای جنسی	سرکوب شدن نیازهای جنسی پس از طلاق	
	مواجهه با تعاملات همراه با نگرش جنسی	

## ۵-۲. کدگذاری محوری

کدگذاری محوری فرآیندی است که پس از کدگذاری باز انجام می‌شود تا ارتباط بین مقوله‌ها را مشخص کند. در این مرحله، مفاهیم استخراج شده به شکل شبکه‌های مفهومی یا حلقه‌های علت-معلولی نمایش داده می‌شوند. الگوی پارادایم، سلسله روابطی است که میان زیر مقوله‌ها و مقوله اصلی برقرار می‌شود. (استراوس و کربین، ۱۳۹۰)



شکل ۱: کدگذاری محوری برای نشان دادن ارتباط بین مقولات

## ۵-۲-۱. پدیده محوری طلاق زود هنگام

پدیده محوری یا اصلی یعنی، پدیده مورد نظر، ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای که جریان کنش‌ها و واکنش‌ها به طرف آن رهنمون می‌شود تا آن را اداره و کنترل کند یا به آن پاسخ دهد. (استراوس و کربین، ۱۳۹۰) بر مبنای یافته‌های پژوهش، پدیده محوری در پژوهش حاضر «فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در بین زوجین جوان» است. این پدیده محوری به این دلیل اهمیت دارد که می‌تواند نقطه مرکزی پژوهش باشد و دیگر ابعاد مدل پارادایمی مانند شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها حول این پدیده شکل می‌گیرد.

## ۵-۲-۲. شرایط علی طلاق زود هنگام

شرایط علی مقوله‌هایی (شرایطی) است که مقوله اصلی از آن تأثیر می‌پذیرد و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامد. شرایط علی در داده‌ها با واژگانی مثل «وقتی، درحالی‌که، از آن جا که، چون، به سبب و به علت» بیان می‌شود. حتی زمانی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارد محقق می‌تواند با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظرند، شرایط علی را بیابد.

(استراوس و کربین، ۱۳۹۰)

## اول، ناکارآمدی روابط زوجین

عدم تفاهم، همدلی و درک متقابل بین زوجین که عامل شکل‌گیری طلاق است با نظریه سیستمی خانواده منطبق است. مینوچین معتقد است که خانواده سیستمی پویاست که اعضای آن در تعامل مداوم با یکدیگرند. او بر اهمیت مرزها، زیرسیستم‌ها و الگوهای تعاملی در خانواده تأکید می‌کند. طبق نظریه وی مشکلات زناشویی می‌تواند ناشی از اختلال در ساختار و عملکرد سیستم خانواده باشد. (مینوچین، ۱۳۹۵)

ناکارآمدی در تأمین نیازهای جنسی همسران عامل مهمی در طلاق زود هنگام است. نظریه رضایت جنسی مورالی دانیو بیان می‌کند که رابطه جنسی تبیین مستقیم نیاز اساسی است، اما هدف فراتر از ارضای ساده یک نیاز بوده و شامل لذت نیز می‌شود. لذت طرف مقابل بخش مهمی از لذت جنسی است و امر جنسی کامل، خودپرستانه نیست (مورالی دانیو، ۱۳۸۴). فرانکل، عشق را پدیده‌ای اصیل می‌داند نه اعتلای غریزه جنسی. او میل جنسی را راهی برای درک عشق و رضایت جنسی را نتیجه عشق می‌داند: «میل جنسی به طور معمول، حالتی است از بیان عشق و وقتی جایز و حتی مقدس است که مرکبی برای عشق باشد. پس عشق اثر جانبی میل جنسی نیست، بلکه میل جنسی راهی برای درک آن همدم‌گایی است که عشق نام دارد» (فرانکل، ۱۹۶۳).

از نظر اریک فروم: «در جامعه غربی به علت جهت‌گیری مصرفی، از میل جنسی برای پوشاندن فقدان صمیمیت بهره‌گیری می‌شود. نزدیکی جسمانی، تبدیل به وسیله‌ای برای پوشاندن عیب بیگانگی انسان‌ها شده است. صمیمیت عاطفی و هماهنگی اصیل بین دو نفر را می‌توان به خوبی با صمیمیت جسمانی پیوند داد، اما این دونوع صمیمیت یکسان و از یک نوع نیستند» (فروم، ۱۹۶۳). هورنای نیز

محبت و تمایل جنسی را دو پدیده جدا می‌داند. او احتیاج عصبی به محب را ناشی از اضطراب اساسی می‌داند نه عقده‌های جنسی. هورنای عوامل متعددی را در شکل‌گیری تمایلات جنسی مؤثر دانسته و معتقد است که مشکلات جنسی در افراد عصبی به شکل میل افراطی یا خودداری از روابط جنسی بروز می‌کند (هورنای، ۱۳۶۹). در مجموع، نظریه هورنای بر پیچیدگی روابط انسانی و تأثیر عوامل روانی-اجتماعی بر رفتارهای جنسی تأکید دارد. ناکارآمدی در تأمین نیازهای عاطفی زوجین می‌تواند منجر به مشکلات در روابط شود. نظریه دلبستگی که توسط بالبی در سال ۱۹۶۹ مطرح شد، بر تأثیر الگوهای دلبستگی کودکی بر روابط بزرگسالی تأکید دارد. این نظریه دلبستگی را پیوندی جهان‌شمول می‌داند که در تمام انسان‌ها وجود دارد. هازان و شیور سه سبک دلبستگی بزرگسالان را توصیف کردند که عبارتند از: سبک دلبستگی ایمن (حدود ۵۶٪ از جمعیت را در بر می‌گیرد و افراد با این سبک، روابط صمیمی و رضایت‌بخش دارند، به دیگران اعتماد می‌کنند و اعتماد به نفس بالایی دارند)؛ سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی (که حدود ۲۵٪ جمعیت را در بر می‌گیرد و این افراد از صمیمیت می‌ترسند، اعتماد کردن برایشان دشوار است و تمایل به انکار آسیب‌پذیری دارند)؛ و سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی - دوسوگرا (که این افراد نگران ترک شدن هستند، روابط را به شکل وسواسی تجربه می‌کنند و دچار نوسانات هیجانی هستند). این سبک‌های دلبستگی بر نحوه برقراری و حفظ روابط در بزرگسالی تأثیر می‌گذارند و می‌توانند در شکل‌گیری مشکلات زناشویی نقش داشته باشند (زارع زاده مهریزی، ۱۳۹۳).

ناآگاهی و عدم مهارت زوجین در مواجهه با حل مسائل خانوادگی و نداشتن مهارت‌های لازم برای مواجهه با مشکلات خانوادگی نیز می‌تواند منجر به مشکلات مهمی در روابط شود. گاتمن چهار عامل مخرب در روابط را شناسایی کرده است که عبارتند از: انتقاد (به معنای انتقاد شخصیتی و کلی به جای انتقاد رفتاری و خاص)؛ تدافعی بودن (واکنش دفاعی به جای پذیرش مسئولیت و گوش دادن فعال)؛ تحقیر (رفتارهایی که باعث کاهش عزت نفس طرف مقابل می‌شود) و دیوار سنگی (قطع ارتباط عاطفی و فیزیکی، نادیده گرفتن طرف مقابل). بر مبنای این مدل، گاتمن معتقد است که وجود این چهار عامل در روابط زوج‌های جوان می‌تواند نشانه‌ای از احتمال طلاق باشد. گاتمن با شناسایی این

عوامل، امکان مداخله زودهنگام و پیشگیری از مشکلات جدی تر در روابط را فراهم می‌کند. بنابراین، آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله به زوج‌های جوان می‌تواند در پیشگیری از طلاق زودهنگام مؤثر باشد. (کاتمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹)

### دوم، مشکلات اخلاقی و رفتاری زوجین

در بررسی پدیده طلاق زودهنگام از منظر جامعه‌شناختی، می‌توان مشکلات اخلاقی و رفتاری زوجین را به عنوان عوامل تأثیرگذار مورد تحلیل قرار داد. این رویکرد، پدیده طلاق را نه فقط یک مسئله فردی، بلکه نتیجه تعاملات پیچیده بین فرد، خانواده و ساختارهای اجتماعی می‌داند. ردایل اخلاقی و رفتارهای ناپسند در میان زوجین را می‌توان در بستر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه تحلیل کرد. جوامع مختلف، تعاریف متفاوتی از رفتارهای مطلوب و نامطلوب در روابط زناشویی دارند. تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی می‌تواند منجر به شکاف بین انتظارات و واقعیت‌های زندگی زناشویی شود که این موضوع زمینه‌ساز بروز رفتارهای ناپسند است. خیانت همسر از دیدگاه جامعه‌شناختی، می‌تواند بازتابی از تغییرات در ساختار خانواده، نقش‌های جنسیتی و ارزش‌های اجتماعی باشد. افزایش فرصت‌های ارتباطی در جوامع مدرن، تغییر در نگرش‌های اجتماعی نسبت به روابط خارج از ازدواج و فشارهای اقتصادی-اجتماعی می‌توانند در بروز این پدیده نقش داشته باشند.

اعتیاد همسر به مواد مخدر، مشروبات الکلی و زندانی شدن یکی از زوجین را می‌توان در چارچوب نظریه‌های انحرافات اجتماعی بررسی کرد. عواملی همچون فشارهای اجتماعی، بیگانگی، و نابرابری‌های اقتصادی می‌توانند زمینه‌ساز گرایش به اعتیاد باشند. این مسئله نه فقط بر فرد معتاد بلکه بر کل ساختار خانواده و در نهایت جامعه تأثیر می‌گذارد. جلوگیری از افزایش اعتیاد، کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده خانواده خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت، همسرآزاری و... در سطح جامعه، اصلی‌ترین راهکار کاهش طلاق است (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹).

شکاک بودن همسر می‌تواند ریشه در ساختارهای اجتماعی نابرابر، تجربیات گذشته



و الگوهای فرهنگی داشته باشد. جوامعی که در آنها اعتماد اجتماعی پایین است، ممکن است شاهد افزایش این رفتار در روابط زناشویی باشند. اعتماد، شاخصی بسیار مهم است که می‌توانند ارتباط مستقیمی با تمایل یا عدم تمایل به ازدواج داشته باشد. کلمن بر اعتماد در جایگاه یک عامل سرمایه اجتماعی تأکید دارد؛ زیرا با اعتماد کردن، روابط اجتماعی مطلوبی حاصل می‌شود (کلمن، ۱۳۹۰).

### ۵-۲-۳. بستر یا زمینه ایجادکننده طلاق زودهنگام

بستر یا زمینه، مجموعه مشخصه‌های ویژگی‌های است که به پدیده مورد نظر دلالت می‌کند؛ یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده است. بستر نشانگر مجموعه شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش و واکنش صورت می‌گیرد. (استراوس و کربین، ۱۳۹۰)

#### اول) کشاکش نگرش سنتی و مدرن نسبت به هویت و نقش‌های جنسیتی

امروزه تغییراتی در خانواده ایرانی بروز پیدا کرده است، تغییر در موقعیت و جایگاه زنان و موازنه قدرت، دگرگونی ارزش‌ها، تغییر نگرش نسبت به نقش‌های خانوادگی، افقی شدن ساختار قدرت، فردگرایی و افزایش میزان طلاق از جمله تغییرات پیش‌روی خانواده امروزی است. (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹) در بررسی جامعه‌شناختی پدیده طلاق زودهنگام، کشاکش و ابهام در الگوهای ازدواج به عنوان بستر و زمینه‌ساز این پدیده مورد توجه قرار می‌گیرد. این موضوع را می‌توان در چارچوب نظریه‌گذار جمعیتی دوم و تغییرات ارزشی در جوامع در حال گذار تحلیل کرد. سنتی بودن ازدواج در برخی جوامع در کنار تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی می‌تواند منجر به ناهمخوانی انتظارات زوجین با واقعیت‌های زندگی مشترک شود. همانطور که چرلین<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) اشاره می‌کند این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز تعارضات زناشویی و در نهایت طلاق باشد. ازسوی دیگر، ازدواج به سبک مدرن که با تأکید بر فردگرایی و خودشکوفایی همراه است، می‌تواند چالش‌هایی را در تطبیق با ساختارهای سنتی خانواده ایجاد کند. گیدنز<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) این تغییر را در قالب مفهوم رابطه ناب توضیح می‌دهد که در آن رضایت فردی اهمیت بیشتری می‌یابد. طبق نتایج تحقیق خلج‌آبادی

1. Cherlin, A. J.  
2. Giddens, A. J.

فراهانی (۱۳۹۴) تعدد رابطه‌های قبل از ازدواج با جنس مخالف که با انگیزه‌هایی غیر از ازدواج است، می‌تواند تعیین‌کننده رضایت کمتر زناشویی پس از ازدواج باشد. در مقابل، شناخت بیشتر از ویژگی‌های همسر، عامل مثبتی در رضایت زناشویی است.

ازدواج اجباری و بی‌علاقگی به همسر که ریشه در ساختارهای سنتی قدرت در خانواده دارد، می‌تواند برای پایداری ازدواج پیامدهای منفی جدی داشته باشد. این موضوع با مفهوم خشونت نمادین بوردیو<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) قابل تحلیل است. ازدواج به دلیل لجاجت و مخالفت با سنت‌ها و دخالت والدین را می‌توان در چارچوب نظریه شکاف نسلی و تعارضات ارزشی بین نسل‌ها تحلیل کرد. این پدیده، همانطور که اینگلههارت (۱۳۷۳) اشاره می‌کنند، می‌تواند نشان‌دهنده تغییرات ارزشی در جوامع در حال گذار باشد.

### دوم، بیماری و ناباروری زوجین

مطابق نتایج تحقیق بکایی و همکاران (۱۳۹۶) اگرچه زنان نابارور می‌توانند سیکل پاسخ جنسی را در مراحل تمایل، برانگیختگی و اوج لذت جنسی مانند سایر زنان تجربه کنند، اما عده‌ای از ایشان بعد از تشخیص ناباروری و تعدادی نیز در حین درمان ناباروری، دچار مشکلاتی در فازهای مذکور می‌شوند که این موارد می‌تواند زمینه ساز طلاق شود.

### سوم، زندگی بدون معنا برای زوجین

معنا در زندگی زناشویی اهمیت زیادی دارد. فرانکل (۱۹۸۴) معتقد است که در زندگی لذت و شادمانی باید وجود داشته باشد، اما خود نباید هدف اصلی واقع شود. نمی‌توان در جستجوی خوشبختی رفت و آن را یافت؛ زیرا خوشبختی نتیجه معنایی است که فرد به کل شرایط زندگی می‌دهد. وقتی زوجین درگیر بی‌معنایی در زندگی شوند تمایلی به تداوم زندگی مشترک نداشته و میل به جدایی در آنها ایجاد می‌شود. کسانی که زندگی خود را معنادار می‌بینند اعتقاد دارند که زندگی هدف مهمی دارد و قابل فهم است. (کاظمیان مقدم، ۱۳۹۵)

طبق نتایج تحقیق گیتی‌پسند، فرح‌بخش، اسماعیلی و ذکایی (۱۳۹۴) ناهمخوانی معنا، عدم همکاری در ساخت معنای مشترک و ناتوانی در مذاکره در زوجین، منجر به طلاق می‌شود.

### ۵-۲-۴. شرایط مداخله‌گر در ایجاد طلاق زود هنگام

1. Bourdieu, P.



شرایط مداخله‌گر یعنی شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند.

### اول) کژکارکرد خانواده زوجین

نابسامانی و از هم گسیختگی خانواده یکی از چالش‌های جدی جامعه معاصر است. دخالت والدین در امور زوج‌های جوان، عامل مهم در بروز مشکلات زناشویی است. این مداخلات برخلاف نیت خیرخواهانه، اغلب منجر به تشدید اختلافات و حتی طلاق می‌شود. از نظر نظریه کنش متقابل نمادین، این دخالت‌ها می‌تواند فرآیند شکل‌گیری هویت مشترک زوجین («من» به «ما») را مختل کند. همچنین، طبق نظریه سیستم‌ها، خانواده در جایگاه یک سیستم از مداخلات بیرونی تأثیر می‌گیرد که می‌تواند تعادل آن را برهم زند. ضرورت استقلال زوجین و در عین حال، حفظ ارتباط سازنده با خانواده‌های اصلی موضوعی مورد تأکید است. رستگار و پیراینده (۱۳۹۶) نیز در نتایج تحقیق خود به نقش کژکارکرد خانواده در طلاق زوجین اشاره کرده‌اند.

در خانواده تجدیدگرا، زوج‌های جوان پس از ازدواج به هیچ‌یک از خانواده‌های جهت‌یاب وارد نمی‌شوند بلکه واحدی مستقل برای زندگی خود تشکیل می‌دهند و «نومکان» می‌شوند و بدون وابستگی‌های خویشاوندی زندگی می‌کنند. بنابراین، در انتخاب همسر نیز از قیود و تمایلات خانواده آزاد شده و براساس میل و علاقه قلبی همدیگر را انتخاب می‌کنند. به این شیوه، همسرگزینی آزاد گویند. (اعزاز، ۱۳۷۶) در سیستم همسرگزینی آزاد، محرک انتخاب همسر «عشق رمانتیک» است. با انتخاب همسر به دلیل عاشق بودن، در نظام خانوادگی این توقع ایجاد می‌شود که زن و شوهر تعهد دارند که عاشق یکدیگر باشند (پارسونز، ۱۳۶۳، به نقل از اعزاز، ۱۳۷۶). این سبک از ازدواج‌ها و گسترش فردگرایی سبب شده است که خانواده همانگونه که نقش کم‌رنگ‌تری در انتخاب همسر دارند، نقش حمایت‌گری خود را از زوجین در پیشگیری از طلاق و حل مسائل آنان از دست دهند.

### دوم) تغییرات اجتماعی و فرهنگی

قبیح‌زدایی از طلاق، پذیرفته بودن طلاق و تفکر مردسالارانه و نبود آزادی برای زن از



مهمترین شرایط مداخله‌گر متأثر از تغییرات اجتماعی و فرهنگی در رخداد طلاق است. تغییر نگرش نسبت به طلاق از جمله عوامل مؤثر در تسهیل آن است. امروزه پذیرش طلاق افزایش یافته است، درحالی‌که در گذشته حتی با دلایل موجه، مورد مذمت بود. چیل معتقد است که در تبیین طلاق باید به رشد ازدواج‌های دوستانه توجه داشت. از نظر وی، روابط دوستانه‌ای که بر احساسات زودگذر مبتنی بوده و والدین در تصمیم‌گیری آن مشارکت نداشته‌اند در بیشتر موارد به طلاق منجر می‌شود (چیل، ۱۳۸۸). در بیشتر کشورها قبح طلاق روند کاهشی یافته است. در گذشته، فرد مطلقه اگر از محیط اجتماعی خود بیرون رانده نمی‌شد دست‌کم بخشی از احترام اجتماعی خود را از دست می‌داد. دیگر اینکه امکانات موجود برای زن مطلقه نیز تغییر یافته است. یعنی، چون افراد بی‌شمار دیگری نیز طلاق گرفته‌اند امکانات بسیاری برای افراد مطلقه در پیدا کردن همسر موجود است. بین ۸۵ تا ۹۵ درصد از افرادی که بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی طلاق گرفته‌اند، دوباره ازدواج می‌کنند. همچنان‌که دیوید مورگان نیز در تحلیل این موضوع بیان می‌کند که امروزه طلاق، همانند تولد، ازدواج و مرگ، مرحله عادی و معمولی دیگری در دوره حیات است (لبیی، ۱۳۹۳).

آزادارمکی درمورد آینده خانواده ایرانی معتقد است که نهاد خانواده از نظر جامعه‌شناسانی همچون کالینز و گیدنز اهمیت یافته و بازگشت به خانواده در جهان مطرح است. وی معتقد است که مطالعاتشان ضمن اینکه اهمیت نهاد خانواده را نشان می‌دهد، جهت بازگشت به خانواده را نیز نمایان کرده است. به نحوی که ساده شدن پدیده ازدواج و طلاق، فهم عمومی از مشکلات ایجاد شده مرتبط با سهولت روابط جنسی خارج از خانواده، محور قرا گرفتن برابری جنسیتی و بهادادن به تربیت فرزندان در این مسیر مورد توجه قرار می‌گیرد و آینده خانواده را سامان می‌دهد. (آزادارمکی، ۱۳۹۳)

برخی تحلیلگران برای طلاق مزایایی قائلند؛ از جمله رهایی از ازدواج ناموفق و ایجاد فرصت‌های بهتر برای زنان و کودکان. تغییر نگرش جامعه و افزایش پذیرش طلاق، همراه با گسترش ازدواج‌های دوستانه، از عوامل مؤثر در افزایش طلاق است. (چیل، ۱۳۸۸) کاهش قبح طلاق و افزایش امکانات برای افراد مطلقه نیز قابل توجه است، به طوری که آمارها نشان می‌دهد اکثر افراد مطلقه دوباره ازدواج می‌کنند (گود، ۱۹۸۲، به نقل از لبیی، ۱۳۹۳). امروزه طلاق



به مرحله‌ای عادی در زندگی بسیاری از افراد تبدیل شده و همچون تولد، ازدواج و مرگ، بخشی از چرخه زندگی آنان است (استیل و واردن، ۱۳۸۸). در خانواده‌های امروزی نگرش به ازدواج تغییر کرده و طلاق اغلب اولین راه حل برای مشکلات زناشویی تلقی می‌شود (آزادارمکی، ۱۳۹۳). برخی تحلیلگران، افزایش میزان طلاق را بحران اجتماعی نمی‌دانند و تبیین متداول این پدیده را کاهش محوریت خانواده در مسائل اجتماعی و اقتصادی، افزایش فردگرایی و تأکید بر شادکامی شخصی می‌دانند. همچنین، استقلال اقتصادی زنان نقش مهمی در تسهیل طلاق داشته است (لبی، ۱۳۹۳).

### سوم) مسائل اقتصادی

مسائل اقتصادی از جمله فقر، بیکاری همسر و بی‌توجهی در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، نقش مهمی در بروز طلاق زود هنگام میان زوجین جوان ایفا می‌کند.

#### الف) فقر و بیکاری همسر

مطابق نظریه فشار مرتن، فقر و بیکاری می‌توانند باعث ایجاد شکاف میان اهداف فرهنگی (مانند رفاه اقتصادی) و وسایل نهادینه شده برای رسیدن به این اهداف شوند. این موضوع می‌تواند به تنش در روابط زناشویی و در نهایت طلاق منجر شود.

#### ب) بی‌توجهی در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده

طبق نظریه مبادله اجتماعی هومنز، روابط زناشویی براساس تبادل منابع (از جمله منابع اقتصادی) شکل می‌گیرد. بی‌توجهی به تأمین نیازهای اقتصادی می‌تواند این تبادل را مختل کرده و رضایت از رابطه را کاهش دهد. این مشکلات اقتصادی می‌توانند باعث افزایش استرس، کاهش رضایت زناشویی و تضعیف پیوندهای عاطفی شوند. همچنین، ممکن است زمینه‌ساز تعارضات بیشتر و کاهش توانایی زوجین در حل مسائل زندگی مشترک گردند. طبق نتایج تحقیق علمی مندگاری و رازقی نصرآباد (۱۳۹۵)، بی‌کاری و اشتغال ناپایدار، کسب درآمد از مسیرهای نادرست، وابستگی مالی به خانواده‌ها، اوضاع نامساعد اقتصادی جامعه، فشار مضاعف بر منابع درآمدی خانواده و مدیریت نامناسب منابع مالی خانواده از جمله مسائل مالی است که با تعاملات کمتر زوجین در کنار سایر عوامل مؤثر و زمینه‌ساز به تدریج منجر به افزایش اختلاف و تضادهای رفتاری زوجین شده و در نهایت به عامل مهیاکننده



شرایط طلاق تبدیل می‌شود.

#### چهارم) کژکارکرد فضای مجازی و رسانه‌ها

نتایج پژوهش بهادری و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده است که ۹۶٪ از همسران از فضای مجازی استفاده می‌کنند و بین استفاده از فضای مجازی با طلاق عاطفی همسران، صمیمیت همسران و رضایت جنسی زوجین رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین طبق یافته‌های هردار (۱۴۰۲)، شکل‌گیری عشق سیال در زوجین در شبکه‌های اجتماعی، موجب تضعیف بنیان خانواده، طلاق عاطفی، رفتارهای فرازناشویی و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود و هرچه میزان حضور زوجین در شبکه‌های مجازی بیشتر باشد به همان اندازه بر اختلافات زناشویی، خشونت خانگی، طلاق عاطفی، تنوع‌طلبی عاطفی و جنسی و کاهش اعتماد، افزایش سوءتفاهم‌ها و رفتارهای فرازناشویی مؤثر است؛ زیرا همجواری مجازی هویت و اتحاد جنسی بر حسب پیامدهای بازکردن فضای خصوصی منجر به رفتارهای فرازناشویی، کاهش سرمایه اجتماعی، طلاق عاطفی و آزادی در ارتباط عشقی می‌شود که تمامی این عوامل می‌تواند زمینه‌ساز طلاق شود (هردار، ۱۴۰۲).

#### ۵-۲-۵. راهبردهای جلوگیری از طلاق زودهنگام

راهبرد مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر است. راهبردها مقصود داشته، هدفمند است و ناظر به دلیلی مشخص است. راهبردهای قطعی و نهایی مانند طلاق، نشان دهنده ارزیابی هزینه-فایده زوجین طبق نظریه مبادله اجتماعی است. اصل این نظریه آن است که انسان‌ها در موقعیت‌های اجتماعی، رفتارهایی را بر می‌گزینند که در نظر آنان بالاترین احتمال را در برآوردن منافع شخصی در آن موقعیت‌ها دارند. (بستان، ۱۳۹۲)

راهبردهای سازگاری روانی شامل پذیرش طلاق عاطفی و توسل به باورهای مذهبی است. این راهبردها تلاش فرد برای سازگاری با شرایط جدید و حفظ تعادل روانی را نشان می‌دهد. راهبردهای اقتصادی و شغلی، نظیر اشتغال، با نظریه سرمایه انسانی بکر مرتبط است. این رویکرد بیانگر تلاش افراد برای افزایش منابع و استقلال اقتصادی خود است. راهبردهای حمایت اجتماعی مانند دریافت حمایت از خانواده و دوستان، راهی برای توسعه سرمایه اجتماعی است که این راهبرد نشان دهنده جستجوی منابع حمایتی جایگزین



است. راهبردهای جایگزینی عاطفی از قبیل ورود به رابطه عاطفی جدید یا استفاده از فضای مجازی، بیانگر تلاش برای جبران خلأ عاطفی و بازسازی هویت فردی است.

راهبردهای متنوع فوق نشان می‌دهد که افراد در مواجهه با فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی از مکانیسم‌های متنوعی برای سازگاری و مقابله استفاده می‌کنند. این راهبردها متأثر از عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی است و پیامدهای متفاوتی برای فرد و جامعه دارند. لازاروس و همکاران، راهبردهای مقابله‌ای را کوشش‌های شناختی و رفتاری برای کنترل نیازهای بیرونی و درونی و تعارضات بین آنها تعریف می‌کنند. این اعمال برای غلبه، تحمل، کاهش یا به حداقل رساندن فشارهای وارده بر فرد انجام می‌شود. راهبردهایی که فرد برای مقابله بر می‌گزیند بخشی از نیمرخ آسیب‌پذیری وی به‌شمار می‌رود. به‌کار بردن راهبردهای نامناسب در رویارویی با عوامل فشارزا می‌تواند موجب افزایش مشکلات شود، درحالی‌که به‌کار بردن راهبرد مناسب می‌تواند پیامدهای سودمندی در پی داشته باشد. (افضلان، ۱۳۹۳)

فیلیپس و جارویس براساس تحقیقات خود در مورد راهبردهای مقبله‌ای به چهار عامل اشاره کرده‌اند که عبارتند از: مقابله فعال، مقابله اجتنابی، مقابله هیجان‌مدار و مقابله پذیرش. مقابله فعال شامل رفتارهایی است مانند استفاده از راهبردهای استراتژیک و حمایت اجتماعی ابزاری. مقابله اجتنابی شامل افکار و رویدادهایی است که رخ داده است، مانند دور شدن فیزیکی از موقعیت یا استفاده از الکل یا دارو. مقابله هیجان‌مدار شامل آزادسازی هیجان‌هاست مثل گریه کردن و استفاده از حمایت‌های اجتماعی برای کاهش هیجان‌ها. مقابله پذیرش نیز شامل دور شدن روان‌شناختی فرد از موقعیت است؛ یعنی از نظر روان‌شناختی موقعیت یا رویداد دوباره تعریف می‌شود و فرد رویداد را همان‌طوری که هست، می‌پذیرد. (افضلان، ۱۳۹۳)

#### ۵-۲-۶. پیامدها رخداد طلاق زود هنگام

پیامدها نتایج و حاصل کنشها و واکنشهایی است که در اثر راهبردها پدیدار می‌شوند. پیامدها ممکن است حوادث و اتفاقات باشند، شکل منفی به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند و در حال یا آینده به وقوع بپیوندند. (استراوس و کریبن، ۱۳۹۰) پیامدهای طلاق زود هنگام در زوجین جوان در ابعاد مختلف روانی-عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و جنسی



قابل بررسی است. در بعد روانی- عاطفی، بروز مشکلات روحی و عاطفی، احساس شکست و پشیمانی پس از طلاق از پیامدهای مهی است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات متعددی همخوانی دارد. از جمله بنی‌هاشمی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود آسیب‌های روحی و روانی را مهمترین پیامد طلاق ذکر کرده‌اند. حیاتی و سلیمانی (۱۳۹۷)، لوتز، ویلتز و نیمینن (۱۹۹۷)، آماتو (۲۰۰۳) و طاهری بنچناری، آقاجانی مرساء و کلدی (۱۳۹۷) نیز به آسیب‌های روحی پس از طلاق برای زوجین و کودکان اشاره کرده‌اند (به نقل از بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹).

در بعد اجتماعی، پیامدهایی مانند ازدست دادن موقعیت و منزلت اجتماعی، مشکلات ناشی از تنهایی و جدایی از خانواده، نگرش منفی جامعه به افراد مطلقه (به ویژه زنان) و رواج طلاق زود هنگام توافقی یا یک طرفه در زوجین جوان مشاهده می‌شود. این یافته‌ها با نظریه برچسب‌زنی بکر همخوانی دارد که توضیح می‌دهد چگونه واکنش‌های اجتماعی به یک رفتار می‌تواند بر هویت و رفتار آینده فرد تأثیر بگذارد. پیامدهای اقتصادی طلاق شامل بروز مشکلات مالی، به ویژه برای زنان و مسائل مربوط به مهریه و نفقه می‌شود. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات بنی‌هاشمی و همکاران (۱۳۹۸ و ۱۳۹۹) و حیاتی و سلیمانی (۱۳۹۷) که به مشکلات اقتصادی خانوارهای زن سرپرست پس از طلاق اشاره کرده‌اند، همسوست (به نقل از بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹).

در بعد خانوادگی، مشکلات مربوط به سرپرستی فرزندان و عدم حمایت خانواده، از پیامدهای مهم طلاق است. این یافته‌ها با نظریه سیستم‌های خانوادگی بوئن مرتبط است که نشان می‌دهد چگونه تغییرات در یک بخش از سیستم خانواده می‌تواند بر کل سیستم تأثیرگذار باشد. پیامدهای جنسی طلاق نیز شامل سرکوب نیازهای جنسی و مواجهه با تعاملات توأم با نگرش جنسی است که می‌تواند بر سلامت روانی و اجتماعی افراد تأثیر داشته باشد. عنایت و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه خود نشان دادند که میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، تأثیرپذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر در بین دو گروه متأهل و طلاق گرفته متفاوت است که نشان دهنده تأثیر این عوامل در افزایش یا کاهش احتمال طلاق است. این پیامدهای چندبعدی و عمیق طلاق زود هنگام بر فرد، خانواده و جامعه، نیازمند

درک جامع و طراحی مداخلات مؤثر برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از این پدیده است. این امر مستلزم رویکردی جامع و چندوجهی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است که به تمامی ابعاد این مسئله توجه کند.

### ۵-۳. کدگذاری گزینشی (یکپارچه کردن نظریه در قالب روایت داستان‌گونه)

در کدگذاری گزینشی، محقق مفاهیم به دست آمده از داده‌های خام را در قالب گروه‌های مفهومی با همان مقولات دسته‌بندی می‌کند. فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان، پدیده‌ای پیچیده است که از تعامل عوامل متعددی نشئت می‌گیرد. زوجین جوان با ناکارآمدی در روابط و مشکلات اخلاقی و رفتاری مواجه می‌شوند. این مشکلات در بستری از کشاکش بین سنت و مدرنیته در الگوهای ازدواج، هویت و نقش‌های جنسیتی رخ می‌دهد. عواملی همچون بیماری، ناباروری و زندگی بی‌معنا نیز به این پیچیدگی می‌افزاید. در این میان، عوامل مداخله‌گری مانند کژکارکرد خانواده، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، مسائل اقتصادی و تأثیرات فضای مجازی، شرایط را پیچیده‌تر می‌کند که زوجین در مواجهه با این چالش‌ها، راهبردهای متنوعی را اتخاذ می‌کنند؛ از طلاق گرفته تا تلاش برای سازگاری روانی، جستجوی حمایت اجتماعی و یافتن جایگزین‌های عاطفی. در نهایت، این فرآیند منجر به پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد روانی-عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و جنسی می‌شود که نه فقط بر زوجین، بلکه بر خانواده‌ها و جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. در مجموع، این نظریه تصویری جامع از پدیده فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای مطالعات بیشتر و طراحی مداخلات مؤثر در این مورد باشد.

### ۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی عوامل، زمینه‌ها، شرایط و پیامدهای طلاق زود هنگام در بین زوجین جوان شهر قم به روش کیفی از نوع گراند تئوری انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان، پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که در بستر تعارض بین سنت و مدرنیته شکل می‌گیرد. این

پدیده را می‌توان در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناختی مانند نظریه گذار اجتماعی تحلیل کرد. در جامعه در حال گذار ایران، تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی مشاهده می‌شود که منجر به شکاف بین نسلی و تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با ازدواج و خانواده شده است. این تغییرات، همان‌طور که گیدنز اشاره می‌کند، باعث بازاندیشی در روابط زناشویی و خانوادگی شده است. گیدنز این افزایش را بخشی از گسترش مدرنیته بازاندیشانه می‌داند که در آن، افراد بیشتر درباره جنبه‌های مطمئن و نامطمئن زندگی می‌اندیشند. (استیل و واردن، ۱۳۸۸)

تغییر در ساختارهای قدرت درون خانواده و جامعه، منجر به چالش‌هایی در روابط زناشویی شده است. چافتز و هاگان معتقدند که علت اصلی افزایش تمایل زنان به طلاق، نارضایتی از مسئولیت‌های خانگی و محدودیت‌های ناشی از آن است. نوسازی با ارتقای تحصیلات و اشتغال زنان، توانایی آنها برای زندگی مستقل را افزایش داده و استقلال اقتصادی زنان عامل مهمی در تصمیم‌گیری برای طلاق شده است. (لبی، ۱۳۹۳) یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گری مانند کژکارکرد خانواده، مسائل اقتصادی و تأثیرات فضای مجازی، پیچیدگی این پدیده را افزایش می‌دهند. این یافته‌ها با نظریه سیستم‌های خانواده و نظریه‌های اقتصادی طلاق همخوانی دارد.

نظریه فردگرایی جامعه دموکراتیک (لبی، ۱۳۹۳) نیز می‌تواند توضیح‌دهنده افزایش تمایل به طلاق و اهمیت یافتن خواسته‌های فردی در روابط زناشویی باشد. از دیدگاه دورکیم، ضعیف شدن وجدان جمعی در جوامع مدرن، منجر به کاهش ارزش‌های منفی منتسب به طلاق شده است. این موضوع با نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز همخوانی دارد که بر اهمیت خانواده در حفظ ثبات اجتماعی تأکید می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر با تئوری‌های ویلیام گود و گیدنز درباره تأثیرات مدرنیته بر ازدواج و خانواده نیز همخوانی دارد. همان‌طور که گود اشاره می‌کند، دگرگونی‌های ساختاری و ایدئولوژیکی در جامعه منجر به تغییر در شیوه زندگی و نگرش نسبت به ازدواج شده است. (اعازی، ۱۳۷۶) یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان را باید در بستر تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون



و گذار جامعه ایران از سنت به مدرنیته مورد بررسی قرار داد.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که فروپاشی زود هنگام پیوند زناشویی در زوجین جوان، بازتابی از تغییرات عمیق اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران است. این پدیده نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران اجتماعی و برنامه‌ریزان فرهنگی است. راهکارهای مقابله با این پدیده باید چندبعدی باشد و شامل آموزش مهارت‌های زندگی به زوجین جوان، تقویت نهادهای حمایتی، بهبود شرایط اقتصادی و ایجاد فضای گفتگو برای حل تعارضات بین سنت و مدرنیته در جامعه شود.

راهکارها و پیشنهادات ذیل برای جلوگیری از رخداد طلاق زود هنگام ارائه می‌شود:

- تدوین سیاست‌های خانواده با رویکرد بومی؛ طراحی برنامه‌های ویژه برای شهر قم باتوجه به بافت فرهنگی و مذهبی آن؛ همکاری با نهادهای مذهبی و علمای دینی برای ارائه راهکارهای سازگار با فرهنگ منطقه.

- آموزش و مهارت‌افزایی: برگزاری دوره‌های آموزشی پیش از ازدواج با تمرکز بر چالش‌های خاص زوجین جوان در عرصه روابط بین فردی، حل مسئله و پیشگیری از رفتارهای انحرافی؛ ارائه مشاوره‌های تخصصی با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی.

- تقویت نقش نهادهای مدنی: حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه خانواده؛ ایجاد شبکه‌ای از مشاوران و مددکاران اجتماعی آشنا با بافت فرهنگی شهرها و مناطق بومی.

- اصلاح قوانین مرتبط با ازدواج و طلاق: بازنگری در قوانین با توجه به شرایط خاص زوجین جوان؛ تسهیل فرآیندهای قانونی برای دریافت مشاوره پیش از طلاق.

- تقویت ارزش‌های فرهنگی و دینی متناسب با شرایط معاصر: برگزاری نشست‌های علمی-مذهبی برای بررسی چالش‌های ازدواج جوانان از منظر دینی؛ تولید محتوای رسانه‌ای مناسب برای ترویج الگوهای موفق زندگی زناشویی در بافت مذهبی.

- مطالعات آتی: بررسی تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر روابط زوجین جوان در قم؛ مطالعه تطبیقی طلاق زود هنگام در قم با سایر شهرهای مذهبی ایران؛ انجام مطالعات طولی برای بررسی روند تغییرات در الگوهای ازدواج و طلاق در قم.

- همکاری بین‌بخشی: ایجاد کارگروه‌های تخصصی با حضور نمایندگان حوزه علمیه،



دانشگاه‌ها و نهادهای اجتماعی؛ تدوین برنامه جامع پیشگیری از طلاق زود هنگام با مشارکت تمامی ذینفعان.

- رویکرد تدریجی و بلندمدت: طراحی برنامه‌های پیشگیری از طلاق با افق زمانی بلندمدت؛ ارزیابی مستمر و اصلاح راهکارها براساس بازخوردهای دریافتی.
- توجه به ابعاد اقتصادی: بررسی تأثیر مشکلات اقتصادی بر طلاق زود هنگام در قم؛ ارائه حمایت‌های مالی و مشاوره‌های اقتصادی به زوجین جوان.

### فهرست منابع

۱. آزادارمکی، محمدتقی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.
۲. ازکمپ، استوارت (۱۳۶۹). روان‌شناسی اجتماعی کاربرد. مترجم: ماهر، فرهاد. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. استراوس و کریبن (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. مترجم: افشار، ابراهیم. تهران: نشر نی.
۴. استیل، لیز، و واردن، کید (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده. مترجم: سیدی، فریبا، و کمالی، افسانه. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
۵. اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۶. افضلان، مریم (۱۳۹۳). اثر تعدیل‌کنندگی راهبردهای مقابله‌ای و حمایت‌های اجتماعی در رابطه با کیفیت زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی خوارزمی.
۷. آمانو، پل (۲۰۰۳). پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان. مترجم: محمدی زادگان، مهناز. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۸. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. مترجم: وتر، مریم. تهران: انتشارات کویر.
۹. بستان، حسین (۱۳۹۲). نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. بکایی، مهشید و همکاران (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نابرابری بر روابط زوجین: یک مطالعه کیفی. نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، (۱)۶، ۶۳-۷۷.
۱۱. بنی‌هاشمی، و همکاران (۱۳۹۹). بررسی علل، پیامدها و راهکارهای کاهش طلاق در ایران با رویکرد دلفی فازی. نشریه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۷)۱، ۱۹۵-۲۲۲.
۱۲. بهادری، مریم، و همکاران (۱۴۰۰). ارتباط فضای مجازی و طلاق عاطفی همسران. نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، (۲)۱۱، ۲۰۱-۲۱۸.
۱۳. تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکای عوامل فرهنگی مؤثر بر وقوع طلاق با کاربست روش Q. نشریه جامعه پژوهی فرهنگی، (۴)۱۲، ۱-۲۳.
۱۴. تقوی دینانی، پرستو، باقری، فریبرز، و خلعتبری، جواد (۱۳۹۹). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل روان‌شناختی مؤثر در طلاق. نشریه علوم روان‌شناختی، (۸۶)۱۹، ۲۱۲-۲۲۸.
۱۵. ثنائی، باقر (۱۳۷۵). آسیب‌شناسی خانواده. نشریه پژوهش‌های تربیتی، (۳)۱، ۷۷-۶۹.
۱۶. چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. مترجم: لیبی، محمد مهدی. تهران: نشر افکار.
۱۷. خلیج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل دانشجویان در تهران. نشریه خانواده پژوهی، (۴۱)۱۱، ۳۳-۵۲.
۱۸. رابرتسون، بیان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه: با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی. مترجم: بهروان، حسین. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۹. رستگار، محمدعارف، و پیراینده، پروین (۱۳۹۶). بررسی دخالت والدین در زندگی زوجین و بررسی مشکلات بعدی در زندگی آنها. سومین همایش بین المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی. تهران.
۲۰. رضازاده، سیدمحمدرضا، هادی، بهرامی‌احسان، فاضل، محدثه، و فلاح، مریم (۱۳۹۷). بررسی عوامل زمینه‌ای و علل مؤثر بر طلاق؛ یک تحلیل اکتشافی. نشریه علوم روان‌شناختی، ۱۷(۷)، ۷۶۵-۷۷۴.
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: انتشارات سروش.
۲۲. روشنی، شهره، تافته، مریم، و خسروی، زهرا (۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۴)، ۶۵۳-۶۷۴.
۲۳. ریتزر، جورج (۱۳۷۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: انتشارات علمی.
۲۴. زارع‌زاده مهریزی، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه صفات شخصیت، سبک‌ها و ابعاد دلبستگی با راهبردهای شناختی تنظیم هیجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. دانشگاه بزد.
۲۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
۲۶. سیف، سوسن (۱۳۸۱). *بررسی مقایسه‌ای میزان پیامدهای طلاق در زنان و مردان ایرانی مقیم ایران، ایرانی مقیم آمریکا، آمریکایی مقیم آمریکا*. کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران.
۲۷. صدیقه پیری و همکاران (۱۳۹۹). طلاق‌های زود هنگام؛ تلاشی برای انفصال از فشارهای اجتماعی. نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، ۴۱-۷۳.
۲۸. علمی‌مندگاری، ملیحه، و حبیبی بی‌بی، رازی نصرآباد (۱۳۹۵). بسترهای اقتصادی مؤثر در تصمیم‌گیری زوجین به طلاق. *پژوهش‌نامه زنان*، ۷(۳)، ۱۰۹-۱۳۵.
۲۹. عنایت، حلیمه، نجفی‌اصل، عبدالله، و زارع، صادق (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق‌گرفته و متأهل طلاق نگرفته). *نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۳(۳)، ۱-۳۵.
۳۰. فرانکل، ویکتور امیل (۱۳۹۶). *انسان در جستجوی معنا*. مترجم: معارفی، اکبر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. کاظمیان مقدم، کبری (۱۳۹۵). نقش تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی. *نشریه روان‌شناسی خانواده*، ۳(۲)، ۷۱-۸۲.
۳۲. کرابب، یان (۱۳۸۱). *نظریه اجتماعی مدرن از یارسون تا هابرماس*. مترجم: مخبر، عباس. تهران: نشر آگه.
۳۳. کلمن، جیمز (۱۳۹۰). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
۳۴. کوئن، بروس (۱۳۷۰). *مبانی جامعه‌شناسی*. مترجم: توسلی، غلامعباس، و فاضل، رضا. تهران: انتشارات سمت.
۳۵. گیتی‌پسند، زهرا، فرحبخش، کیومرث، اسمعیلی، معصومه، و ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۴). مؤلفه‌های معنای زندگی در زوجین متقاضی طلاق. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵(۲)، ۵۰-۷۲.
۳۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
۳۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص*. مترجم: موفقیان، ناصر. تهران: نشر نی.
۳۸. لیببی، محمد مهدی (۱۳۹۳). *خانواده در قرن بیست و یکم*. تهران: نشر علم.
۳۹. مظاهری، مصطفی، بهرامی، فاطمه، گودرزی، کوروش، و صادقی، مسعود (۱۳۹۸). مطالعه کیفی علل طلاق توفقی به روش تحلیل مضمون؛ یک مطالعه پدیدارشناختی. *نشریه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۵۶(۱۴)، ۴۷-۷۶.
۴۰. مورالی دانیلو، آندره (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روابط جنسی*. مترجم: پویان، حسن. تهران: انتشارات توس.
۴۱. مینوچین، سالوادور (۱۳۹۵). *خانواده و خانواده درمانی*. مترجم: ثنایی، باقر. تهران: امیرکبیر.
۴۲. هردار، معصومه (۱۴۰۲). تحلیل نحوه شکل‌گیری عشق سیال مبتنی بر زیست زناشویی زوجین در شبکه‌های مجازی. *نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲۰(۴۳)، ۲۰۹-۲۳۷.
۴۳. هورنای، کارن (۱۳۶۹). *شخصیت عصبی زمانه ما*. مترجم: مصفا، جعفر. تهران: گفتار.
44. Amato, P. R., & DeBoer, D. D. (2001). The transmission of marital instability across generations: Relationship skills or commitment to marriage? *Journal of Marriage and Family*, 63(4), 1038-1051.
45. Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Prentice Hall.
46. Bourdieu, P. (1998). *Masculine domination*. U. S. A: Stanford University Press.

47. Cherlin, A. J. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66(4), 848- 861.
48. Conger, R. D. (1990). Family Social Capital and Delinquent Behavior. *American Journal of Sociology*, 95(6), 1402- 1440.
49. Epstein, N. B., & Bishop, D. S. (1981). *Problem-centered systems therapy of the family*. New York: Brunner/Mazel.
50. Gottman, J. M., & Silver, N. (1999). *The seven principles for making marriage work*. Crown Publishers.
51. Udry, R. J. (1971). *The Social Context of Marriage*. Philadelphia: J.B. Lippincott Company.
52. Fromm, Erich. (1963). *The Art of Loving*. New York: Bantam Books.
53. Giddens, A. J. (1992). *The transformation of intimacy: Sexuality, love and eroticism in modern societies*. U. S. A: Stanford University Press.
54. Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically based marital therapy*. New York: W.W. Norton & Company.
55. Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 24(3), 291- 306.
56. Apostolou, A., Chari, I., Segler, J., Stanton, K., & Shiner, R. L. (2018). Understanding the development of perfectionism: The influence of perceived parental perfectionism and parenting behaviors. *Journal of Personality*, 86(6), 1021-1037.
57. Lefkides, T., & Khalil, M. (2016). Parent-offspring conflict over mating: The case of divorce. *Personality and Individual Differences*, 99, 286–294.
58. Vignoli, D., Matysiak, A., Styrac, M., & Tocchioni, V. (2018). The positive impact of women's employment on divorce: Context, selection, or anticipation? *Demographic Research*, 38, 1059-1110.

